

دنبال کار آفرینی بودم، نه درآمد

حاج آقاروانه زاده وقتی بازارش در این کار گرفت، متوجه شد درآمد و پول آن چیزی نیست که راضی اش کند. با همین دغدغه و سر مشکلاتی هم که برای محل تولید داشت، تصمیم گرفت کارخانه بزرگ تری در اسفند یان، محل تولد خودش، دایر کند و امکان اشتغال جوانان آنجا را هم فراهم کند. او سال ۱۳۹۲ اولین ساختمان کارخانه تولید لباس شویی سطلی را در هزارمتر از زمین های این محل دایر کرد؛ کارخانه ای که امروز به ۵ هزار متر وسعت یافته است.

روانه زاده که همچنان در بولوار شاهنامه زندگی می کند و شیفته خاک فردوسی است، از این علاقه چنین می گوید: من و همسر من هیچ وقت دوست نداشته ایم از این محدوده برویم. همه علاقه مان در کار و زندگی برای این محله بوده است. وقتی کارخانه را در زمین های پدری ام ساختم، از جوانان این محدوده دعوت به کار کردم. حالا هر روز هشتاد نفر از بولوار شاهنامه و اطراف آن به

گفت و گو کنیم و خودم برایش درباره محصول و تغییراتش توضیح بدهم تا اعتماد کند. برای عکاسی بهتر از محصولات، از اینجالباس شویی و کولر را که الان دیگر فضایی برای تولیدش ندارم، با رمی زدم و می بردم میدان قائم (۳)، روبه روی موج های آبی و... که فضای سبز خوبی برای عکاسی داشت. محصولات را مرتب می چیدم و عکس می گرفتم. باز دوباره آن ها را بار می زدم و به کارخانه برمی گرداندم. بعد از مدتی بازارم در شهرستان ها قدرت گرفت.

او که سال ها خودش گله دار بوده و از کار و زحمت آن با خبر است، بعد از راه اندازی کارخانه تولید لباس شویی، تصمیم گرفت خط تولید دستگاه کره گیر را هم راه بیندازد؛ دستگاهی برقی که جایگزین روش های دستی قدیم برای تبدیل ماست به دوغ و کره است. او می گوید: روش کارم و تولید دستگاه کره گیر و لباس شویی یکی است؛ به همین دلیل خط تولید آن را هم راه انداختم و روانه بازار کردم و چون با قیمت خیلی کم و مناسب عرضه کردم، استقبال خوبی از آن شد و در حال حاضر، سی درصد تولید ما همین دستگاه های کره گیر یا تلمبه است که اهالی روستاها استفاده می کنند. او حتی در ساخت همین دستگاه هم خلاقیت به خرج داده و با دیدن نمونه تایوانی، تلمبه ای تولید کرده است که از دستگاه های دیگر جمع و جورتر است و چون اندازه اش کوچک است، جای کمتری می گیرد.

کارخانه می آیند و در بخش های مختلف مشغول به کار می شوند. پنجاه نفر هم که بیشترشان از اهالی همین محدوده هستند، کار تزریق پلاستیک، تراش قطعات، رنگ پودری و... را بر ایمان در خارج از کارخانه انجام می دهند. او می افزاید: الان هم دوست دارم کارخانه را که واقعا فضای تولیدش کم است و همین مسئله، دست ما را در صادرات بسته، توسعه بدهم و خدا شاهده است که نیتم درآمد بیشتر نیست؛ بلکه دستگیری بیشتر از جوانان این محل است تا از بیکاری نجات پیدا کنند. همیشه هم می گویم خدا یا شکرت که توفیق دادی تا سفره ای پهن کنم که از کنار آن ۱۳۰ خانواده روزی بخورند.

تلاشمان بی جواب نماند

حاج آقاروانه زاده در گوشی اش، عکس هایی از اولین تولیداتش نشانمان می دهد؛ عکس هایی که در مکان های مختلف مشهد گرفته شده است و می گوید: روز های اول خودم هم مثل کارگرها بیم پای تولید می ایستادم. از طرف دیگر بازار بایی می کردم و به شهرستان ها می رفتم تا با مشتری از نزدیک

درس عبرت دیوار قدیمی توس

آقای روانه زاده دیوار قدیمی توس را که مقابل در ورودی کارخانه اش است، نشانمان می دهد و می گوید: هر روز که نگاهم به این دیوار می افتد، با خودم می گویم وجود این دیوار قدیمی، درس عبرتی است برای ما که بدانیم امروز هستیم و فردا نیستیم. پس باید خیلی حواسمان به آنچه ذخیره آخرتمان می کنیم، باشد. از سر همین اعتقاد، رضایت کارگر و مشتری برایم اهمیت دارد. دوست ندارم ناراضی پشتم باشد و رونق و وضعیت امروزم را هم حاصل برکت همین رضایت می دانم؛ اعتباری که با توکل بر خدا نصیب شده است.



توفیقی که خدایم دهد

حاج علی اصغر روانه زاده این روزها با همراهی پسرش جواد که در نبود او، کارخانه و کارگرها را راه می برد، فراغ بال بیشتری پیدا کرده است تا به آنچه برای دستگیری

از نیازمندان همیشه در دلش بود، برسد. خودش چندان تمایلی به گفتن قدم های خیری که از درآمد همین کارخانه برمی دارد، ندارد، اما مردم محله فردوسی به نیکویی از او یاد می کنند؛ از قدمی که برای بازسازی دبیرستان فردوسی برداشته است، می گویند، از هزینه ای که برای چند مسجد محله برعهده گرفته است، و از پول هایی که برای تأمین خرج و مخارج چند خانواده نیازمند اسفند یان باروی گشاده می پردازد، حرف به میان می آورند. با اصرار مان، خودش به چند بیمار سرطانی و قلبی که تحت پوشش او هستند، اشاره می کند و می گوید که توفیق این دستگیری را، خدا به او بخشیده است؛ لذتی که حالش را کنار کار خوب می کند.

